



یک جمله جادویی؛ همین و تمام!

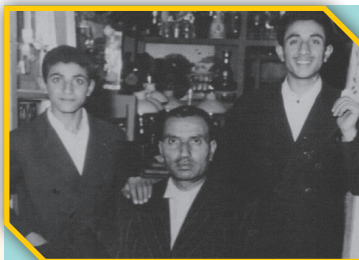


سید محمد موسوی، کارآفرین محصولات بهداشتی و حامی معلولان، هنوز ۲ سال بیشتر نداشت که به دلیل تب و تشنج، پاهایش از توان افتاد و ویلچر نشین شد، اما کلام و رفتار مادرش که با پارچه‌های ساتن موجود در خانه، شنی دوخت و لباسی شبیه لباس اشرف تن سیدمحمد کرد و او را روی صندلی در کوچه نشاند و گفت: «سهم تو دویدن و راه رفتن نیست، سهم تو فرمان دادن به بچه‌هاست، تو به آنها بگو چگونه بازی کنند.» همه چیز را تغییر داد. همین نگرش بود که اکنون از او کارآفرینی ساخته که در کارخانه تولید محصولات بهداشتی فیروز بیش از هزار و ۲۰۰ پرسنل زیر نظر او کار می‌کنند؛ مجموعه‌ای که نزدیک به ۹۲ درصد آنها مانند سیدمحمد، معلولند. این کارخانه بهداشتی با هدف تولید محصولات بهداشتی مادران و کودکان در شرایطی در سال ۱۳۵۳ تاسیس شد که نیمی از سهام آن متعلق به یکی از برندهای آمریکایی بود. این کارخانه در سال ۱۳۷۹ توسط بنیاد مستضعفان به مزایده گذاشته شد و مالکیت آن به سیدمحمد موسوی، معلول کارآفرین، رسید. او اعتقاد دارد این کارخانه سودمحور نیست، برکت‌محور است. سیدمحمد موسوی می‌گوید: «مادر این شرکت، انسانی فکر می‌کنیم و تعصب ملی داریم و مطابق با شرایط اجتماع خودمان کار و تولید می‌کنیم. بنابراین، شرایط جامعه ما اجازه نمی‌دهد تا معلولان استفاده نکنیم، چون می‌خواهیم آنها بی‌کار نمانند، چرا که بیکاری باعث هزار درد است. اکنون این کارخانه بهداشتی متعلق به موسوی نیست، این کارخانه یک برند ملی است.» در ایامی که پیدا کردن شغل دغدغه و مشکل اصلی بیشتر خانواده‌ها و جوانانی است که از تحصیلات عالی و سلامت جسمانی برخوردارند، شنیدن این جمله که بیش از ۹۰ درصد پرسنل یک واحد تولیدی معلول هستند و در اوج مشکلات اقتصادی و تحریم‌ها، این واحد تولیدی نیرو جذب می‌کند، خوشایند است.

ناورازگین، سیدمحمد موسوی محصولات شونده مخصوص کودکان موفقیت، فلکه دوم صادقیه



نام حاج محمد سلیمانی و پسران محمولان لوازم نفت سوز اجاق گازهای صنعتی و بخاری‌های گازی، شومینه گازسوز و ...
موقعیت: پاچنار



از حسن آباد و پاچنار تا اقصی نقاط جهان

بیش از یک قرن پیش بود که حاج محمد سلیمانی کسب و کار خانوادگی‌اش را در میدان حسن آباد به راه انداخت. در آن ایام به ذهن هیچ‌کس خطور نمی‌کرد که چند دهه بعد آنجا به کارخانه بزرگی برای تولید لوازم نفت سوز در تهران تبدیل شود. در سال ۱۳۳۰ پسران حاج محمد در کنار پدر، کار را به دست گرفتند و یک دهه بعد تولید لوازم نفت سوز (سامور، والور و بخاری) در کارخانه نیک کالا در محله پاچنار تهران، شروع برنامه تولیدی خاندان سلیمانی بود. هنوز ۳ سال از تولید این محصول نگذشته بود که مهارت و توانایی‌های آنها باعث شد در کنار تولید، فعالیت‌های وارداتی و صادراتی مرتبط با لوازم خانگی از اروپا به کشورهای عربی راه هم آغاز کنند. توسعه تولید، محدودیت مکان و جذب بیشتر نیروی کار دلیلی شد تا حاج محمد و پسرانش از

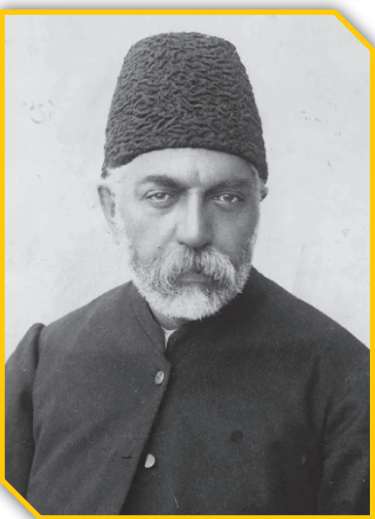


پاچنار به علی آباد تهران کوچ کنند و محصولات جدید خود، مانند اجاق گازهای صنعتی و ترموس‌های آب را وارد بازار کنند. این اتفاق سکوی پرتاب برای صادرات به کشورهای حوزه خلیج فارس و دریای عمان بود و به دنبال توسعه سریع شبکه گازرسانی در تهران و افزایش تقاضا برای وسایل گرمایشی گازسوز، این شرکت تولید بخاری‌های گازی و شومینه گازسوز را در کنار اجاق‌های جدید در چرخه تولیداتش قرار داد، اما در سال ۱۳۶۹ رشد و توسعه و شروع تجهیز خط تولید به دستگاه‌های روز دنیا و زیرساخت‌های مرتبط تولید، باعث شد این مجموعه صنعتی به زمینی ۱۴ هکتاری در کمالشهر منتقل شود. طولی نکشید که کشورهای تازه استقلال یافته شوروی و مشتریانی از خاورمیانه و شمال آفریقا

کارآفرینی با طعم قند

ساختمان متروکه کارخانه قند در کهریزک رازهای بسیاری از تاریخ معاصر ایران را در دل خود جای داده است. روزگاری زیر سقف این بنای متروکه صدها کارگر شبانه‌روز برای تامین قند مورد نیاز تهران و ایران تلاش می‌کردند. در دوران قاجار و روزگاری که نوشیدن چای بیش از هر زمان دیگری میان مردم محبوب شد، تامین قند مورد نیاز کشور یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های حکومت قاجار به شمار می‌رفت تا جایی که ماجراها و وقایع سیاسی بسیاری نیز با ماجرای تامین قند گره خورده بود. نخستین کارخانه قند تهران سال ۱۲۷۲، بیش از ۱۳۰ سال

پیش، با تلاش میرزا علی‌خان امین‌الدوله تاسیس شد. او با مشارکت بلژیکی‌ها کلنگ ساخت نخستین کارخانه قند ایران را در کهریزک به زمین زد. دلیل انتخاب کهریزک برای ساخت کارخانه قند هم نزدیکی به اراضی کشت چغندر در شهری و روستاهای اطراف بود. علیرضا زمانی، تهران شناس، می‌گوید: «امین‌الدوله و شرکت بلژیکی، کارخانه قند را در زمینی به مساحت حدود ۷۰ هزار مترمربع که از اراضی شخصی امین‌الدوله بود بنا کردند. هرچند از شمار دقیق کارگران این کارخانه اطلاعاتی در دست نیست، اما با اشاره به بنای بیش از هزار مترمربعی کارخانه و بناهایی که برای اسکان و استقرار کارگران ساخته شده بود، می‌شود کارآفرینی برای ده‌ها کارگر در خط تولید قند این کارخانه را حدس زد. همچنین آورده‌اند که ظرفیت



این کارخانه چیزی حدود ۱۰۰ تن چغندر در روز بود و شرکت امین‌الدوله تامین آب و چغندر مورد نیاز کارخانه را برعهده داشت. این نیز دلیل دیگری برای فعالیت‌ها ده‌ها کارگر در این کارخانه است. اما کارخانه قند کهریزک تنها ۴ سال پس از تاسیس به تعطیلی کشید. زمانی ادامه می‌دهد: «اگرچه مصرف قند در ایران بالا بود و کارخانه قند دیگری هم وجود نداشت، اما تاجران روسی عمده قند مورد نیاز ایران را از روسیه وارد می‌کردند. پس از ساخت این کارخانه رقابت میان محصولاتی که کارگران تهرانی تولید می‌کردند و قند وارداتی روسی بالا گرفت. روس‌ها برای شکست دادن قند مرغوب این کارخانه قیمت قند خود را آنقدر کاهش دادند که این اقدام به تعطیلی کارخانه قند انجامید؛ هرچند کارخانه قند کهریزک سال ۱۳۰۸ دوباره شروع به کار کرد و تا میانه‌های دهه ۴۰ که این بار به دلیل فرسودگی ماشین‌آلات تعطیل شد، محل کار بسیاری از کارگران تهرانی بود.»